

رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جنگ اوکراین؛ دستاوردها و چالش‌ها

فرشاد رومی^{*۱}

سید محسن آل سید غفور^۲

چکیده

بحران اوکراین انعکاس رقابت‌های ژئوپلیتیک قدرت‌های بزرگ برای دستیابی به هژمونی جهانی و منطقه‌ای است. جمهوری اسلامی صراحتاً حمله نظامی روسیه به اوکراین را محکوم نکرده و جهان غرب به ویژه آمریکا را عامل اصلی بحران اعلام کرده است. در این راستا، مقاله حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که کدام پندارها و مؤلفه‌ها بر رویکرد سیاست خارجی ایران در قبال تهاجم نظامی روسیه به اوکراین تأثیر گذاشته است؟ در پاسخ می‌توان گفت «ساخت درونی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ادراک تصمیم‌گیرندگان آن از تحولات در ساختار نظام بین‌الملل و تغییر در موقعیت بازیگران عمده آن، جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در قبال بحران اوکراین را شکل داده است.» در واقع، حاکم بودن راهبرد «شرق‌گرایی» بر سیاست خارجی و تلاش برای ایجاد یک جهان چند قطبی، اتخاذ رویکردی متعادل در قبال تنش میان روسیه و اوکراین را برای ایران دشوار ساخته است. لذا به‌رغم اعلام بی‌طرفی، ایران در عمل از تهاجم روسیه حمایت کرده و مقامات ایران این اقدام را آغاز دگرگونی در نظام بین‌الملل دانسته که به تهران امکان بازیگری در عرصه جهانی را می‌دهد. مقاله با سنجش پیامدهای بحران اوکراین توصیه می‌کند ایران با اتخاذ سیاست بی‌طرفی فعال و حمایت از راه‌حل‌های سیاسی از ایران هراسی و تحریک دولت‌های غربی اجتناب و بر نقش سازنده خود در منطقه بیافزاید. مقاله با رویکردی کیفی و استفاده از روش تحلیل رویدادها در روابط تهران - مسکو و تأثیر تحولات ساختاری در نظام بین‌الملل و ساخت سیاست داخلی ایران در چارچوب نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک، سیاست خارجی ایران را بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: جنگ اوکراین، روسیه، نگاه به شرق، نظم نوین جهانی، ایران، منافع ملی

۱. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

* roomi@scu.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۲۷

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره سیزدهم، شماره پیاپی پنجاهمین، صص ۶۳-۳۵

مقدمه

با فروپاشی نظام دو قطبی و تشدید دشمنی آمریکا و متحدان آن بر علیه ایران، گرایش به شرق در سیاست خارجی به اولویت راهبردی ایران تبدیل شد و نظام سیاسی حاکم کوشید تا بر اساس موازین و اصول اعتقادی خود در مقابل وضعیت موجود نظام بین‌الملل که ویژگی بارز آن استیلاي غرب و ایالات متحده است، ایستادگی کرده و اهداف ملی‌اش را تحقق بخشد. به چالش کشیدن این نظم جدید منوط به تشکیل ائتلافی قوی بود و همین امر ایران را به همکاری با دولت‌هایی کشاند که با هژمونی آمریکا و نظام تک قطبی مخالف بودند. از دیدگاه حامیان نگاه به شرق، جمهوری اسلامی ایران باید رویکردی بلندمدت نسبت به کشورهای بزرگ شرق اتخاذ نموده و در جهت بهره‌مندی بهینه از ظرفیت کشورهای شرقی گام بردارد. از نگاه آنها کشورهای مندرج در راهبرد نگاه به شرق در دادوستد با ایران برخلاف دولت‌های غربی علاقه‌ای به در هم آمیختن موضوعات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ندارند و این فرصتی مغتنم برای تحقق منافع ملی ایران است. بنابراین، تعامل با شرق برای ایجاد موازنه در مقابل غرب در اندیشه استراتژیک جمهوری اسلامی جایگاه مهمی داشته و در دولت‌های مختلف بروز و ظهور خود را نمایان ساخته است. در این راستا، ایران در مواجهه با تهدیدات غرب، رقابت تاریخی خود با روسیه را کنار گذاشته و آن را در سیاست نگاه به شرق خود در کنار چین، هند و ... گنجانده است. ضرورت دستیابی به فناوری اتمی، نیاز به جنگ‌افزارهای پیشرفته برای ترمیم قدرت نظامی ایران پس از هشت سال جنگ با صدام و کاهش فشارهای ناشی از تحریم‌ها و محدودیت‌های آمریکا در محیط پیرامونی موجب شد ایران برای بقاء و امنیت خود در نظام بین‌الملل تک‌قطبی به روسیه نزدیک شود.

اینک متحد کلیدی جمهوری اسلامی ایران درگیر جنگ با اوکراین است. تهاجم ارتش روسیه به اوکراین که در ابتدا پیش‌بینی می‌شد حمله‌ای برق‌آسا و دارای دستاوردهای سریع و ملموس برای مسکو باشد، مدت‌ها است که به درازا کشیده و مواضع ایران در همراهی با روسیه فراتر از رویکرد «نگاه به شرق» بروز و ظهور یافته است. این مقاله در صدد پاسخ به این سؤال است که «کدام پندارها و مؤلفه‌ها به رویکرد سیاست خارجی ایران در قبال بحران اوکراین شکل داده و پیامدهای این سیاست برای جمهوری اسلامی

ایران چه بوده است؟ در پاسخ می‌توان گفت که «ساخت درونی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران که مخالفت با سیاست‌های آمریکا بخشی از هویت انقلابی رهبران آن را تشکیل می‌دهد و ادراک تصمیم‌گیرندگان آن از آرایش سیاسی حاکم بر نظام بین‌الملل و تغییر در موقعیت بازیگران عمده آن، جهت‌گیری دستگاه دیپلماسی ایران در قبال بحران اوکراین را شکل داده است. بی‌شک، این بحران اثرات قابل ملاحظه‌ای بر منافع و امنیت ملی ایران بجا گذاشته و زمینه تعلیق و توقف نسبی مذاکرات برجام و تشدید تحریم‌های غرب علیه ایران را فراهم آورد.

۳۷

جمهوری اسلامی ایران به‌رغم اعلام بی‌طرفی در جنگ اوکراین، به دلیل تسلط راهبرد «شرق‌گرایی» بر سیاست خارجی آن و با هدف تضعیف موقعیت جهانی غرب رویکردی متعادل در قبال تنش میان روسیه و اوکراین نداشته و عملاً از تهاجم روسیه به اوکراین حمایت کرده است. در واقع، جمهوری اسلامی تهاجم روسیه را آغاز دگرگونی در نظام بین‌الملل با ظهور بلوک‌ها و ائتلاف‌های جدید تعبیر می‌کند که به تهران امکان خروج از انزوا و بازیگری در عرصه جهانی را می‌دهد. این نوشتار با سنجش فرصت‌ها و تهدیدات بحران اوکراین توصیه می‌کند که ایران با اتخاذ سیاست بی‌طرفی فعال و حمایت همه‌جانبه از راه‌حل‌های سیاسی طبق قوانین بین‌الملل و تلاش‌های سازمان ملل متحد از ایران هراسی و تحریک دولت‌های غربی اجتناب و کشور را از قرار گرفتن در معرض فشارهای گسترده‌تر دور ساخته و بر نقش سازنده خود در منطقه بیافزاید. ساماندهی مقاله بدین گونه است که ابتدا به چارچوب نظری پژوهش پرداخته می‌شود. سپس چرایی شکل‌گیری سیاست خارجی ایران پس از فروپاشی نظام دو قطبی مورد بحث قرار می‌گیرد و در ادامه به رویکرد دولت ایران در قبال بحران اوکراین در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی و احتمال ظهور یک نظم نوین جهانی اشاره خواهد شد.

۱. پیشینه پژوهش

مسلم است که این نوشتار همانند هر پژوهش دیگری وامدار دستاوردها و یافته‌های محققانی است که پیش از این به فهم منطق حاکم بر سیاست خارجی ایران، راهبرد نگاه به شرق و روابط ایران و روسیه اهتمام ورزیده‌اند. به منظور تقریر پیشینه پژوهش می‌توان آثار مرتبط با موضوع را ذیل سه مقوله دسته‌بندی کرد. دسته نخست دربرگیرنده

آثاری است که در آنها کوشش شده تا از گذر تجزیه و تحلیل سیاست خارجی و استراتژی‌های منطقه‌ای و جهانی، روابط ایران و روسیه را به آزمون کشیده و در بوته نقد بگذارند (اسعدی و منوری، ۱۴۰۰؛ نوری، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹؛ کولایی و نوری، ۱۳۸۹؛ نروزی و رومی، ۱۳۹۳؛ مجتهدزاده و رشیدی‌نژاد، ۱۳۹۰؛ Katz, 2010, 2012; Milani, 2016; Kozhanov, 2016, 2012). دسته دوم آثاری را در بر می‌گیرد که از چشم انداز راهبرد نگاه به شرق و از دیدگاه پویش‌ها و پیوستگی‌های سیاست خارجی ایران در موضوع نگرینسته و درباره آن به داوری نشست‌اند (بایزیدی، ۱۴۰۱؛ حاجیلو، ۱۳۹۶؛ عطایی و شبیانی، ۱۳۹۰؛ سجادپور، ۱۳۸۸؛ دهقانی فیروزآبادی و مرادی، ۱۳۹۴؛ شوری، ۱۳۹۴؛ رومی، ۱۳۹۹؛ آدمی، ۱۳۸۹؛ آدمی و برزگر، ۱۳۸۹؛ Hunter, 2010). سومین دسته پژوهش‌هایی است که به بحران اوکراین و تأثیر آن بر منافع ملی ایران پرداخته و آنرا دستمایه و کانون تکاپوی فکری خود قرار داده است (صالحی و سجادی، ۱۴۰۱؛ رشیدی، ۱۴۰۱؛ حلال‌خور و سعیدی‌راد، ۱۴۰۰؛ Bobkin, 2022; Atay, 2022; Kaleji, 2022; Sadri, 2023; Lebow, 2022;). به‌رغم، پژوهش‌های ارزنده صورت گرفته، این مقاله از این وجه تمایز برخوردار است که با نگاهی عینی، واقع‌بینانه و غیر ایدئولوژیک و با اتکاء به داده‌های عینی به چگونگی شکل‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنگ اوکراین و تبیین فرصت‌ها و تهدیدات برآمده از آن برای ایران می‌پردازد.

۲. چارچوب نظری: واقع‌گرایی نئوکلاسیک

نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک برداشتی نو و تازه از واقع‌گرایی ساختاری کنت و والتز^۱ می‌باشد. واقع‌گرایی نئوکلاسیک تحلیل خود از واقعیت‌ها را با بررسی مکانیزم‌های داخلی، جهانی و تعاملی کسب می‌کند. عنوان «واقع‌گرایی نئوکلاسیک» نخستین بار از سوی «گیدئون روز»^۲ با تکیه بر آرای متفکران پیشین واقع‌گرایی ارائه شد و نقد خود را متوجه شیوه تقلیل‌گرایانه نواقع‌گرایی کرد که تمرکز خود را بر ساختار نظام بین‌الملل و نفوذ آن بر عملکرد حکومت‌ها گذاشته بود (سلیمی و ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۵). واقع‌گرایی نئوکلاسیک تأثیر ساختار نظام بین‌الملل بر عملکرد دولت‌ها را انکار نمی‌کند، ولی در پی رفع کمبودها و گذر از تقلیل‌گرایی با تأکید بر ساختار داخلی کشورها می‌باشد. از این

^۱. Kenneth Waltz

^۲. Gideon Rose

رو، نئوکلاسیک مولفه‌های سطح کلان و سیستمی و سطح خرد یعنی دولت‌ها را با یکدیگر در می‌آمیزند (دهقانی فیروزآبادی، ۲۷۷: ۱۳۹۰). واقع‌گرایان نئوکلاسیک در کنار تاکید بر مفروضه اساسی نواقع‌گرایی (ساختار نظام بین‌الملل) از واقع‌گرایی کلاسیک به عنوان دومین منبع فکری خود بهره‌برداری می‌کنند و از این جهت بر اهمیت نقش دولت و ادراک رهبران کشورها در سیاست خارجی تاکید دارند. بعبارتی، واقع‌گرایی نئوکلاسیک در چگونگی شکل‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها هم بر زمینه‌های داخلی و هم بر بسترهای بین‌المللی شکل‌گیری سیاست خارجی تاکید دارد. به بیان دیگر، واقع‌گرایی نئوکلاسیک بدنبال فهم سیاست خارجی دولت‌ها از طریق چگونگی توزیع قدرت در سطح ساختار نظام بین‌الملل و نیز انگیزه‌ها و ادراکات سیاستگذاران داخلی می‌باشد. (Rose, 1998: 145-147).

توجه واقع‌گرایان نئوکلاسیک مانند سایر نظریه‌های رئالیستی، بیش از هر امری بر قدرت متمرکز است و قدرت را مانند نو واقع‌گرایان بر اساس توانمندی‌های مادی تعریف می‌کنند. واقع‌گرایی نئوکلاسیک دولت محور است و معتقد است که رقابت برای قدرت و نفوذ بین دولت‌ها در سیستم هرج و مرج بین‌المللی از ویژگی‌های مهمی است که سیاست بین‌الملل را تعریف می‌کند (تابع افشار و برزگر، ۱۳۹۵: ۴۸). آن‌ها همچون نواقع‌گرایان می‌پذیرند که منطق نظام بین‌الملل «هرج و مرج گونه» است و بر این اساس سیاست دولت‌ها مبتنی بر خودیاری و تحفظ از خویشتن می‌باشد (Griffiths, 2007: 13). با این حال، حیثیت بخش ساختار نظام بین‌الملل صرفاً آنارشیک نیست، بلکه در درون منطق آنارشیک نظام، می‌توان الگوهای از تعامل واحدها و دولت‌ها را نیز مشاهده کرد (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۱۵). در هر صورت این نظریه از نگاه کلیت محور نظریه‌های نظام‌مند عبور کرده و بدنبال کشف فرآیندهای داخلی کشورها و علت بروز برخی رفتارها و رخدادها از سوی دولت‌هاست (Kitchen, 2010: 118). برخلاف نواقع‌گرایی که ساختار نظام بین‌الملل را عامل بروز رفتارهای مشابه از جانب دولت‌ها می‌داند، واقع‌گرایی نئوکلاسیک، به لحظه‌ای توجه دارد که دولت‌ها و رای محدودیت‌های نظام بین‌الملل، رفتارهای ساختارشکن از خود بروز می‌دهند. از این رو، برای فهم سیاست خارجی آنها باید به محرک‌ها و ادراکات داخلی کشورها که در تکوین و

حدوث عمل سیاسی دولت‌ها دخیل هستند نیز توجه کرد. واقع‌گرایی نوکلاسیک تاکید می‌کند که فهم سیاست خارجی دولت‌ها صرفاً در «دوره ثبات» ساختار نظام بین‌الملل شکل نمی‌گیرد. بلکه سیاست خارجی دولت‌ها در «دوره تحول و گذار» در ساختار نظام بین‌الملل اهمیتی به مراتب بیشتر دارد. در مجموع، این نظریه با تجمیع عوامل مؤثر بر رفتار دولت‌ها در سطح ساختار نظام بین‌الملل و در ساخت سیاسی دولت‌ها می‌تواند نظریه‌ای اثرگذار در شرح فرایند تدوین و تنظیم سیاست خارجی دولت‌ها باشد (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۱۵). کاربست تئوری واقع‌گرایی نوکلاسیک در تبیین رفتار سیاست خارجی ایران در بحران اوکراین بدین نحو است که بر اساس متغیرهای مؤثر در سیاست خارجی از دیدگاه این نظریه یعنی ساختار نظام بین‌الملل و ساخت سیاسی دولت‌ها و با عنایت به اصل «ثبات» و «تحول» در این دو ساختار، به تحلیل رفتار ایران در تعامل با روسیه و جنگ اوکراین می‌پردازد.

۳. چگونگی شکل‌گیری سیاست خارجی ج.ا. ایران پس از جنگ سرد

پس از فروپاشی نظام بین‌الملل دو قطبی و پایان جنگ سرد، رهبران جمهوری اسلامی ایران بر اساس آرمان‌ها و اصول اعتقادی خود ساختار تک‌قطبی نظام بین‌الملل و هنجارهای حاکم بر آن را فاقد مشروعیت دانسته و استقرار آن را مغایر با منافع خود ارزیابی کردند. در این دوره جمهوری اسلامی تلاش کرد ماهیت انقلابی و منحصر به فرد خود در سطح نظام بین‌الملل را به رسمیت بشناساند و ایران را به مثابه یک کشور انقلابی و نه صرفاً «منتقد» بلکه یک «مبارز فعال» بر علیه ساختارهای هژمون نظام بین‌الملل، معرفی کند. این رویکرد برخاسته از ساخت نیروهای درونی نظام سیاسی ایران و ادراک ایشان از خود و محیط بیرونی بود. در مقابل، ایالات متحده و متحدانش کوشیدند با تأثیرگذاری بر تحولات داخلی ایران و افزایش فشارهای اقتصادی، ایجاد ناامنی در محیط پیرامونی ایران با ایجاد گروه‌های تروریستی و تکفیری مانند داعش، راه‌اندازی جنگ روانی در داخل و خارج کشور علیه مشروعیت و کارآمدی نظام سیاسی با بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی، متهم کردن جمهوری اسلامی ایران به نقض حقوق بشر، تبدیل برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران به «بحران هسته‌ای»، طرح موضوع مداخلات منطقه‌ای تهران و ترویج سیاست ایران هراسی و ارائه تصویری خطرناک و بر

هم زنده نظم و ثبات از حکومت جمهوری اسلامی در منطقه و جهان و حذف ایران از روندهای بین‌المللی و کریدورهای اقتصادی منطقه با اعمال سیاست «فشار حداکثری» ترامپ، انرژی و امکان کنش‌گری دولت ایران در سیاست خارجی را به تحلیل برده و در نهایت جمهوری اسلامی ایران را در مقابل هنجارهای مسلط حاکم بر نظام جهانی به گرنش وادارند.

تلاش برای خنثی‌سازی سیاست‌های خصمانه غرب با محوریت آمریکا علیه ایران به عنوان نمودی از فشارها و محدودیت‌های ساختاری از یک سو و فهم تصمیم‌گیرندگان از فضای موجود در نظام بین‌الملل و همچنین ادراک ایشان از ماهیت و ساخت سیاسی ایران زمینه‌ساز پی‌ریزی راهبردی در سیاست خارجی ایران شد که از آن به عنوان سیاست «نگاه به شرق» نام می‌برند. عبارتی، جمهوری اسلامی ایران برای حفظ هویت، کرامت و دفاع از استقلال و منافع ملی خود و مقابله با رفتارهای سلطه‌جویانه آمریکا راهبرد نگاه به شرق را در دستور کار خود قرار داد. در این راهبرد روسیه جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی ایران دارد. تهران همکاری با روسیه که بزرگترین رقیب ژئوپلتیک آمریکا و منتقد وضع موجود نظام بین‌الملل است، جایگزینی برای روابط بی‌رونق و تنش‌زای خود با دولت‌های غربی و آمریکا می‌داند.

در واقع، افزون بر شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل، ساخت سیاسی دولت و منطق سیاست ایرانی با محوریت «کلام و انگاره حاکمیت» بر سیاست خارجی ایران در قبال روسیه تحمیل شده است. بی تردید، «نقش‌آفرینی حاکمیت» در سیاست خارجی که فراتر از مجربان حکومتی قرار دارد، خود تحت تأثیر ساخت نظام بین‌الملل و ادراکی که از آن دارند، می‌باشد. بر اساس نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک نه تنها ساختار نظام بین‌الملل بلکه ساخت درونی نظام سیاسی از عوامل تعیین‌بخش سیاست خارجی ایران در قبال روسیه بوده و برآیند آن شکل‌گیری الگویی خاص در سیاست خارجی ایران در رابطه با روسیه است (رومی، ۱۳۹۹: ۵۹۵). به بیان دیگر، تلاش برای بی‌اثر کردن سیاست‌های خصمانه غرب علیه ایران بعنوان نماد محدودیت‌های ساختار نظام بین‌الملل و برداشت مقامات کشور از ماهیت و ساخت نظام سیاسی ایران زمینه‌ساز تنظیم راهبردی در سیاست خارجی ایران در قبال روسیه شده که امروزه شاهد آن هستیم. افزون بر مقابله با

یکجانبه‌گرایی آمریکا، ضرورت‌های استراتژیک مانند مبارزه با بنیادگرایی دینی، توافق هسته‌ای ایران، بحران‌های ژئوپلیتیک، جنگ سوریه، ظهور داعش و رویکرد خصمانه دولت ترامپ علیه ایران بر عوامل فوق‌تحمیل شده و به تثبیت جایگاه روسیه در سیاست خارجی ایران کمک کرده‌اند. بطوریکه می‌توان اذعان کرد روسیه پوتین، که از منظر حاکمیت ایران مدافع ارزش‌های سنتی و دارای احساسات ضد غربی قوی است، هیچ زمانی چنین جایگاه تأثیرگذاری در سیاست خارجی ایران نداشته است (Blagov, 2017). به قدرت رسیدن اصول‌گرایان در انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۴۰۰ و به حاشیه رفتن نقش میانه‌روهای ایرانی عامل زمینه‌ساز دیگری برای نزدیکی بیشتر به روسیه فراهم نمود. دولت سیزدهم سیاست نگاه به شرق را به عنوان یکی از بنیان‌های سیاست خارجی خود اعلام و تلاش کرد همزمان با آنچه «خشتی کردن تحریم‌های غرب» توصیف می‌شود، روابط ایران با چین و روسیه را توسعه و فقدان روابط با غرب را جبران کند. این امر منجر به هماهنگی مواضع و تبادل اطلاعات در مورد موضوعات کلیدی از جمله وضعیت برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، آینده سوریه و کار در نهادهای منطقه‌ای مانند سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا شد.

از سوی دیگر، در پی تهاجم ارتش روسیه به اوکراین شاهد سطح بالایی از رویارویی روسیه با غرب، اعمال تحریم‌های گسترده بر اقتصاد روسیه، استراتژی «چرخش به شرق» ولادیمیر پوتین و چشم‌انداز مبهم برجام بودیم که همگی بر پیوستگی مواضع تهران - مسکو افزود (Kozhanov, 2023). از منظر دولت ابراهیم رئیسی توافق هسته‌ای راه‌حلی برای تمام مشکلات اقتصادی و سیاسی کشور نیست. در صورت احیاء و حفظ برجام نیز کشورهای غربی حاضر به سرمایه‌گذاری اقتصادی و همکاری با ایران در زمینه‌های حساس نظامی و دفاعی نخواهند بود. این درک تازه از برجام تغییر در محاسبات تهران در جنگ اوکراین را تسهیل کرد (صالحی و سجادی، ۱۴۰۱: ۶۱).

از این رو، جمهوری اسلامی ایران در بحران اوکراین روایت دولت روسیه درباره چرایی تهاجم به این کشور را تکرار کرده و اقدام مسکو را حمله‌ای پیشگیرانه برای جلوگیری از تجاوز ناتو به شرق عنوان کرد. ایران مانند روسیه به شدت با گسترش مرزهای ناتو به

شرق و استقرار نیروها و پایگاه‌های نظامی ناتو و ایالات متحده در اروپای شرقی، قفقاز و سایر مناطق شرقی مخالف است. تهران این را تهدیدی مستقیم برای امنیت ملی ایران می‌داند. به همین دلیل ایران ناتو و آمریکا را عامل اصلی تحریک روسیه و تشدید بحران و جنگ دانسته است (Kaleji, 2022). برای مقامات تهران جنگ اوکراین فرصتی برای تقویت روابط با مسکو، آغاز دگرگونی در نظام بین‌الملل و همچنین تقویت جایگاه بین‌المللی ایران تلقی شد. به‌رغم فرصت‌هایی که به سبب حمایت از مسکو نصیب جمهوری اسلامی ایران شده، جنگ اوکراین پیامدهایی بر منافع ملی ایران بار نموده که در ادامه به ابعاد مختلف آن می‌پردازیم.

۴. بحران اوکراین و روابط دو جانبه ایران و روسیه

سیر منحنی مناسبات ایران و روسیه به‌رغم آنکه پاره‌ای منافع و مقاصد سیاست خارجی ایران را برآورده ساخته اما در کل در مسیر اولویت‌ها و الزامات روسیه حرکت کرده است. در سال‌های اخیر تهران در مواجهه با الزامات نظام بین‌الملل و فشارهای آمریکا چاره‌ای جز روی آوردن به روسیه برای همکاری نزدیک‌تر نداشته و این موجب نگرانی ایرانی‌ها از وابستگی فزاینده کشورشان به مسکو شده بود. اما وقوع جنگ اوکراین به کاهش این نگرانی‌ها در تهران کمک کرد. در واقع، عدم موفقیت روسیه در اوکراین، کرملین را محتاج به مساعدت ایران در زمینه‌های گوناگون نمود. از این رو، برخی معتقدند در درگیری بین روسیه و ناتو در اوکراین یک منفعت استراتژیک برای جمهوری اسلامی ایران متصور است که برآیند آن متعادل کردن روابط یک سویه دو کشور بوده است. برای نمونه، جنگ در اوکراین، روسیه را وادار کرده برای تأمین برخی جنگ‌افزارهای نظامی به ایران وابسته شود. این امر تهران را در موقعیت نسبتاً بهتری در روابط دو جانبه قرار داده و موجب شده تا سران کرملین که در دهه‌های اخیر بر اساس منافع ملی خود بصورت گزینشی و مدت‌دار در موضوعات مختلف حاضر به همکاری با تهران بوده، همسویی بیشتری با ایران داشته باشند. برای مثال، مقامات ایرانی امیدوارند که در مجامع بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل از حمایت روسیه بهره‌مند شده و در آینده نزدیک مسکو تسلیحات پیشرفته مانند جنگنده‌های پیشرفته سوخو ۳۵ به همراه سامانه‌های موشکی، پدافند هوایی و بالگرد در اختیار ایران قرار دهد (Kozhanov,

(2023). بنابراین، جنگ اوکراین برای جمهوری اسلامی بعنوان فرصتی برای تعمیق روابط با مسکو تلقی شده است. این بحران به تهران تضمین بلندمدتی می‌دهد که روسیه با غرب متحد نخواهد شد و استفاده مسکو از ایران به عنوان ابزار چانه‌زنی با آمریکا و اروپا لااقل در کوتاه مدت مُیسر نیست. همچنین، جنگ در اوکراین روند تغییر جهت‌گیری اقتصادی روسیه به سمت آسیا را سرعت بخشید و به ناچار به تقویت روابط اقتصادی با ایران انجامید که یک نقطه ضعف سنتی در روابط دو جانبه بوده است. از ایجاد کریدور حمل و نقل شمال - جنوب که روسیه را از طریق ایران به شبه قاره هند متصل می‌کند، بعنوان نماد مهم چرخش اقتصادی روسیه به طرف آسیا یاد می‌شود. ایران و روسیه که هیچگاه شریک تجاری عمده‌ای برای یکدیگر نبوده‌اند؛ از سال ۲۰۱۹، تجارت دو کشور شاهد رشد مثبتی بوده است. در حالیکه صادرات ایران به روسیه پس از شروع جنگ اوکراین ۱۲ درصد رشد داشته، واردات ایران از روسیه نسبت به قبل از جنگ دو برابر شده است (Tirone, Motevalli, 2022).

در ضمن، تحریم‌های سخت‌گیرانه غرب علیه روسیه نیز بر روابط دو جانبه اثر مثبت داشته است. با توجه به تجارب جمهوری اسلامی در دور زدن تحریم‌ها، تهران می‌تواند در کاهش تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد روسیه مؤثر باشد. در بخش هوانوردی و تعمیر و تأمین قطعات هواپیما قرارداد همکاری میان دو کشور منعقد گردیده است. جمهوری اسلامی ایران از موشک سایوز روسی برای پرتاب ماهواره خیام استفاده کرد که توانایی‌های ایران در زمینه «نظارت‌های مرزی، کشاورزی، نظارت بر تغییرات کاربری اراضی را افزایش می‌دهد. فراتر از انتفاع اقتصادی دو جانبه، جنگ اوکراین موجب شده تا روسیه به طور فزاینده‌ای به پهپادهای ساخته شده توسط ایران وابسته شده و این به جمهوری اسلامی کمک می‌کند تا خود را به عنوان یک قدرت پهپادی در جهان معرفی و مشتریان فراوانی را که بعضاً توسط دولت‌های غربی تحریم شده‌اند برای فروش فناوری و هواپیماهای بدون سرنشین خود جذب کند.

به‌رغم دستاوردهای مثبت در روابط دو جانبه، جمهوری اسلامی ایران به سبب حمایت از روسیه در جنگ اوکراین هزینه‌هایی نیز متقبل شده است. فارغ از غیر مکمل بودن اقتصاد دو کشور، فقدان فناوری‌های پیشرفته و تحریم‌های گسترده‌ای که اقتصاد ایران را

سالهاست تحت فشار قرار داده و اینک روس‌ها را هم گرفتار نموده، میزان بهره طرفین از همکاری‌های اقتصادی وسیع‌تر محدود است. از سوی دیگر، گرچه تهران حمایت نظامی از روسیه و ارائه هواپیماهای بدون سرنشین به مسکو برای استفاده در جنگ اوکراین را تکذیب کرده اما شواهد ارائه شده از جانب اوکراین و حامیان غربی‌اش و تبلیغات برخی افراد و رسانه‌های تندرو داخلی که به نقش پهپادهای ایرانی در جنگ اوکراین می‌بالند و آن را یک دستاورد توصیف می‌کنند، انکار حکومت ایران در عدم دخالت در این جنگ را بلااثر نموده و با فضاسازی صورت گرفته علیه ایران بر حجم فشارهای سیاسی و تحریم‌های خارجی بر علیه جمهوری اسلامی ایران افزوده شده است (Sadri, 2023: 50).

دیگر چالش جنگ اوکراین برای ایران عرضه ارزانتر نفت و محصولات پتروشیمی روسیه به بازارهای آسیایی است که سبب شده فروش فرآورده‌های ایرانی با محدودیت روبرو شود. برای نمونه صادرات نفت خام ایران به چین پس از تحریم نفت و گاز روسیه توسط غرب، به شدت کاهش یافت. زیرا پکن با تخفیف بیشتری نفت روسیه را در مقایسه با نفت ایران می‌خرد. این در شرایطی است که بخاطر تحریم‌های آمریکا، ایران مدت‌هاست که برای سرپا نگه‌داشتن اقتصادش به فروش نفت خود به چین متکی بوده است. نفت و محصولات پالایش شده روسیه به بازارهای دیگر به ویژه هند و امارات متحده عربی نیز سرازیر شده است. هند در سه ماه نخست سال ۲۰۲۲ بیش از ۳۰ میلیون بشکه نفت از روسیه وارد کرده که بیش از دو برابر حجم واردات از آن کشور در سال ۲۰۲۱ است (Sharafedin et al., 2022). مطالعات فرسنگی

در نهایت در بُعد اجتماعی، همدلی و مشارکت در حال گسترش دولت ایران با مسکو با واکنش منفی از سوی بخش زیادی از مردم ایران مواجه شده که از لحاظ تاریخی نسبت به نقش روسیه در کشورشان حساس هستند. با توجه به سابقه روسیه تزاری در تصرف بخش‌هایی از خاک ایران، ایرانی‌ها حمله روسیه به اوکراین را تجاوز به تمامیت ارضی و حاکمیت یک کشور مستقل می‌دانند. از این رو، حمایت از روسیه، می‌تواند بین اولویت‌های دولت - که مطابق با قانون اساسی و هویت دینی خود با هرگونه مداخله

خارجی، نقض حاکمیت ملی، بی‌عدالتی و زورگویی در روابط بین‌الملل مخالف است - و اولویت‌های مردم و نخبگان منتقد شکاف ایجاد کند (Gallagher et al., 2022).

۵. ایران و تحولات منطقه‌ای جنگ اوکراین

پس از تیره شدن مناسبات روسیه با اتحادیه اروپا و آمریکا بر سر اوکراین، مسکو برای کاهش تبعات فشارهای سیاسی و اقتصادی توجه خود را بر گسترش روابط با آسیا معطوف ساخت. یکی از مناطقی که روسیه برای کاهش انزوای خود روی آن حساب باز کرده، خاورمیانه است. با افزایش تنش‌ها میان روسیه و غرب، نیاز مسکو به حفظ و تقویت روابط با کشورهای این منطقه برای تنظیم بازار جهانی نفت، ترانزیت کالا و تجارت خارجی بیشتر شد. خاورمیانه از مناطقی است که ذخایر انرژی بسیار بالایی داشته و بازیگران اصلی سازمان اوپک در این منطقه مستقر هستند. بر این اساس، استراتژی بازیگران این منطقه در قبال بازار جهانی انرژی می‌تواند تأثیر زیادی بر توانایی روسیه در استفاده از ابزار انرژی در برابر غرب داشته باشد. نباید از یاد برد که در چند دهه گذشته مهمترین اهرم سیاست خارجی روسیه برای فشار به اروپا ذخایر نفت و گاز آن بوده است (Niakooee and Rahda, 2021:512).

از سوی دیگر، ایالات متحده برای مدیریت پیامدهای ناشی از بحران اوکراین نیاز به افزایش تولید نفت توسط عربستان و دیگر متحدانش با هدف کاهش قیمت‌های جهانی و پشتیبانی دولت‌های عربی برای اعمال تحریم‌های مختلف علیه روسیه را داشت. اما کشورهای محافظه‌کار منطقه که از عملکرد دولت آمریکا در قبال بحران‌ها و تحولات سال‌های اخیر منطقه ناراضی بودند از همراهی با واشنگتن امتناع ورزیده و بحران اوکراین را به فرصتی برای ابراز نارضایتی از واشنگتن و ایجاد توازن در سیاست خارجی خود تبدیل کردند. شرکای آمریکا در خاورمیانه اعلام کردند طبق توافق اوپک پلاس با حضور روسیه در خصوص میزان تولید نفت عمل می‌کنند. در واقع، عدم موافقت عربستان برای افزایش صادرات نفتی خود پیام مشخصی به آمریکا بود که عربستان سعودی در موازنه تهدید جدید در منطقه رویکرد مطلق‌گرایانه ندارد و در کنار شراکت سنتی با آمریکا، روابط خود با شرق و بازیگرانی مانند روسیه و چین را نیز دنبال می‌کند (Bobkin, 2022: 1398).

همچنین، سایر کشورهای عربی نیز از اجرای تحریم‌ها علیه روسیه خودداری کردند. امارات متحده عربی از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در محکومیت حمله مسکو به اوکراین خودداری کرد. علاوه بر این، تحریم الیگارش‌های روسی توسط غرب، آن‌ها را تشویق کرده تا سرمایه‌های خود را به امارات متحده عربی و ترکیه منتقل کنند تا از اموال خود محافظت کنند. ترکیه نیز گرچه از اعضای ناتو است، اما آنکارا با هیچ تحریمی علیه روسیه موافقت نکرده و با وجود برخی حمایت‌های لفظی از اوکراین، به روابط گسترده خود با روسیه ادامه و سعی نموده از شوک‌ها و تغییرات ژئوپلیتیکی به نفع منافع ملی خود بهره‌برد (Azodi, 2022).

۴۷

روابط بین‌الملل

رویکرد سیاست
خارجی جمهوری
اسلامی ایران در
جنگ اوکراین؛
دستاوردها و چالش
ها

در نهایت، بسیاری از کشورهای منطقه بر اساس منافع خود از قربانی کردن روابطشان با روسیه به دلیل حمله آن کشور به اوکراین خودداری کرده‌اند. روسیه نیز توانسته نتایج نسبتاً مطلوبی از سیاست متعادل و عملگرایی خاورمیانه‌ای خود بگیرد. تنظیم بازار جهانی نفت با کمک کشورهای نفتی منطقه در چارچوب اوپک پلاس به منظور حفظ درآمد، استفاده از مسیرهای ترانزیتی جدید برای تجارت با کشورهای غیر غربی، یافتن بازارهای جدید صادراتی و جلوگیری از انزوای سیاسی از دستاوردهای این رویکرد مسکو بوده است (Niakooee and Rahda, 2021:514).

در این میان، ایران با آمیزه‌ای از بیم و امید نظاره‌گر تحولات اخیر در روابط روسیه با کشورهای عربی پس از بحران اوکراین است. انتظار می‌رود روسیه در تلاش برای به دست آوردن دوستی اعراب و جلب بی‌طرفی آنها در جنگ اوکراین، امتیازاتی را به طرف مقابل ارائه دهد که بر موقعیت ایران در منطقه تأثیر منفی بگذارد. همچنین در ازای امتناع امارات از دادن رأی مثبت به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در محکومیت روسیه، مسکو از قطعنامه دیگری حمایت کرد که تحریم‌ها علیه حوثی‌های متحد ایران در یمن را تصویب کرد.

همچنین این نگرانی وجود دارد که موضع محتاطانه اسرائیل در قبال بحران اوکراین و عدم کمک تسلیحاتی به کی‌یف در درجه اول با هدف ترغیب روسیه برای محدود کردن ایران در سوریه و اعمال فشار بر ایران در منطقه باشد. اسرائیلی‌ها مسکو را یک بازیگر کلیدی برای ایجاد توازن در مقابل تهران و کنترل برنامه هسته‌ای آن می‌دانند و

نمی‌خواهند با حمایت صریح از اوکراین، حمایت روسیه را از دست بدهند (خسروانی، ۱۴۰۰). به‌رحال، اغلب کشورهای خاورمیانه با توجه به کاهش مداخله واشنگتن در مسائل منطقه، تلاش کرده‌اند سیاست‌های خارجی و امنیتی خود را مطابق با واقعیت‌های جدید جهانی تنظیم کنند و وارد صف‌بندی‌ها و ترتیبات امنیتی جدید منطقه‌ای و فضای «هم‌سویی چندجانبه» شوند. در این میان، ایران همچنان در سیاست «نگاه به شرق» خود، ثابت‌قدم مانده است و از تنش‌زدایی با سایر بلوک‌های قدرت جهت ایجاد موازنه در برابر روسیه و چین بی‌بهره است؛ از همین رو، کشورهای اخیر در روابط با ایران یکسویه از فرصت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کرده‌اند (Azizi, 2023: 26).

برای مثال، اتفاق نظر روسیه با دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس در نقض مالکیت ایران بر جزایر سه‌گانه در تیرماه ۱۴۰۲ رخدادی اثرگذار در مناسبات منطقه‌ای ایران بود. روس‌ها با تشکیک در مالکیت ایران خواهان مذاکره و مراجعه به نهادهای بین‌المللی شدند. تکرار این اقدام خطرناک در نشست مجمع همکاری کشورهای عربی و روسیه در ۲۹ آذر ۱۴۰۲ نشان داده که اتکای راهبردی جمهوری اسلامی ایران به روسیه حد و مرز مشخصی دارد و تضمینی برای امنیت و بقای آن ایجاد نکرده و حتی می‌تواند در شرایطی به تهدید بدل شود. در واقع، سیاست خارجی نامتوازن و نداشتن اهرم فشار مؤثر بر روسیه باعث شده تا جمهوری اسلامی نسبت به رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی مسکو و پکن آسیب‌پذیر شود. روشن است که منطق حاکم بر روابط خارجی «رنال‌پلتیک» است، بدین معنا که همه کشورها سیاست خارجی خود را بر مبنای تأمین منافع حداکثری خویش و تأثیرگذاری بر نظم و ثبات جهانی تنظیم می‌کنند. از این جهت، گرچه چین و روسیه از نزدیکی با ایران سود می‌برند اما حفظ روابط حسنه با کشورهای جنوبی خلیج فارس را سودمندتر از صرف رابطه با جمهوری اسلامی می‌بینند. برای مثال، حجم مبادلات تجاری روسیه و جهان عرب حدود ۲۰ میلیارد دلار است که نیمی از آن با امارات متحده است؛ در حالیکه تجارت سالانه ایران و روسیه حدود ۴ میلیارد دلار می‌باشد. (عمادی، ۱۴۰۲).

در مجموع، بحران اوکراین چالش‌هایی را در منطقه برای تهران به همراه داشته؛ از جمله دوستی روس‌ها با رقبا و دشمنان منطقه‌ای ایران را عمیق‌تر کرده است. باید تأکید کرد که

گرچه روسیه در جنگ اوکراین به پشتیبانی ایران نیاز دارد، اما این بدان معنا نیست که مسکو روابط با تهران را به روابط سودمند با دیگر بازیگران منطقه ترجیح دهد. عبارتی، ایران پس از بحران اوکراین اهمیت بیشتری برای مسکو پیدا کرده؛ اما به همان نسبت، اهمیت سایر بازیگران منطقه نیز برای تأمین منافع روسیه افزایش یافته است.

۶. ایران و آثار بین‌المللی جنگ اوکراین

جنگ اوکراین شرایط نوینی را بر دنیا حاکم کرده و پیش‌بینی می‌شود منشاء تحولات بزرگی در جهان باشد. به نظر می‌رسد این جنگ برای جمهوری اسلامی ایران فرصت‌ها و نهدیداتی به همراه داشته باشد. حمله روسیه به اوکراین طرف‌های غربی مذاکره‌کننده با ایران برای احیای برجام را با بحران جدی‌تری روبرو ساخته بود و تهران می‌توانست از شکاف میان روسیه و غرب به نفع خود در مذاکرات هسته‌ای که مهم‌ترین چالش دستگاه دیپلماسی ایران بود استفاده کند. از نظر اقتصادی نیز این بحران می‌توانست در ابعاد گوناگون به نفع جمهوری اسلامی ایران باشد. شکل‌گیری بحران و درگیر شدن آمریکا در آن سبب کاهش توجه آمریکا به موضوع تحریم‌های ایران گردید و این فرصت را در اختیار مقامات جمهوری اسلامی ایران قرار داد تا با توجه به اختلال ایجاد شده در بازار انرژی و نیاز جامعه جهانی به نفت با سهولت بیشتری اقدام به صادرات نفت تحریم شده خود نماید. همچنین تحریم‌های غرب علیه روسیه عرضه گاز طبیعی و نفت روسیه به اروپا را محدود کرد و یک خلاء در بازار اروپا ایجاد کرد که ایران می‌توانست آن را پر کند. حضور و نقش‌آفرینی ایران در بازار انرژی اروپا به عنوان یکی از بزرگترین دارندگان منابع نفت و گاز در جهان می‌توانست در راستای منافع ملی، قدرت چانه‌زنی ایران در جهان را بالا برده و اهرمی برای کاستن از فشار غرب باشد.

عبارتی، ایران برخلاف دولت روسیه که از انرژی به عنوان یک اهرم سیاسی استفاده می‌کند می‌توانست همانند کشور قطر برای تأمین گاز اروپای غربی با این دولت‌ها وارد مذاکره شده و بر وزن ژئواکونومیک خود بیافزاید. انتقال گاز ایران از طریق ترکیه به اروپا باعث می‌شد روسیه برای اولین بار در چند دهه اخیر رقیبی جدی در حوزه تأمین انرژی این قاره برای خود ببیند. در نهایت با افزایش جهانی قیمت نفت و افزایش صادرات آن برای ایران امکان بهبود وضعیت ارزی و حل مشکلات اقتصادی مهیا

می‌شد. به‌رحال، جنگ اوکراین می‌توانست ایران را جایگزین روسیه در بازار انرژی اروپا کرده و این فرصت بالقوه‌ای برای تعامل ایران با اقتصاد جهانی فراهم می‌کرد (Cafiero, 2023b). اما ایران مجال چندانی برای تغییر معادله و امتیازگیری از غرب نداشت. جمهوری اسلامی ایران به‌رغم ادعا و اعلام بی‌طرفی در جنگ اوکراین، با اظهارات و رفتارهای متناقض عملاً در کنار روسیه قرار گرفت و به یک طرف منازعه تبدیل شد در حالیکه بسیاری از دولت‌های اروپایی پیشتر از تمدید برجام حمایت می‌کردند، پشتیبانی ایران از روسیه در طول جنگ باعث شده که حامیان اروپایی توافق هسته‌ای اشتباهی خود را برای احیای این توافق از دست بدهند. همراهی با روسیه که برخی در اروپا آن را یک تهدید وجودی می‌دانند، ایران را در چشم بسیاری از پایتخت‌های اتحادیه اروپا به یک تهدید واقعی تبدیل کرد (Cafiero, 2023a).

از سوی دیگر، در حالی که مذاکرات ایران و آمریکا برای احیای برجام به مراحل پایانی خود رسیده بود، تمایل مسکو برای همکاری با کشورهای غربی بر سر توافق هسته‌ای کاهش یافت. روسیه که با کمک به توسعه برنامه هسته‌ای ایران و تبدیل آن به بحران در روابط ایران و غرب فرصت یافته بود تا توسط دولت‌های غربی به عنوان متحدی در جلوگیری از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای شناخته شود؛ خواستار تضمینی شد که روابط اقتصادی و تجاری این کشور با ایران تحت تأثیر تحریم‌های مرتبط با اوکراین قرار نگیرد. در شرایطی که هر راه‌حلی برای بحران هسته‌ای ایران بدون همراهی مسکو با دول غربی غیرممکن به نظر می‌رسد؛ منافع روسیه ایجاب می‌کند مشکلات ایران با جامعه جهانی و تحریم‌های اقتصادی ناشی از برنامه اتمی ایران برطرف نشود و ایران به بازار انرژی جهانی باز نگردد (Atay, 2022).

در فضای دو قطبی کنونی، روسیه تمایلی به از دست دادن ایران با امضای این توافق نداشت، که ممکن است گشایشی در روابط ایران با غرب پدید آورد. از این رو، روسیه برجام را به عنوان یکی از کارت‌های بازی خود در برابر غرب به کار گرفت. از دیگر آثار جنگ اوکراین، از بین رفتن اختلاف‌نظر میان اروپا و ایالات متحده در خصوص توافق هسته‌ای با ایران بود. اتحادیه اروپا حمایت ایران از روسیه در جنگ اوکراین را اقدام علیه امنیت و موجودیت غرب تلقی و مواضع خصمانه‌ای علیه تهران اتخاذ کرد. همراهی

با روسیه و اتهام فروش سلاح به آن کشور به مثابه عبور ایران از بی طرفی، حمایت از متجاوز و در حکم جنگ نیابتی با غرب و ناتو بود. بنابراین، وخیم تر شدن روابط با اروپا بعنوان حامی احیای برجام و باقی ماندن تحریم‌های اقتصادی بر ضد ایران از نتایج بین‌المللی جنگ اوکراین برای ایران محسوب می‌شود.

در مجموع، هر چند ایران از فروش سیستم‌های تسلیحاتی خود به روسیه منافع کسب کرده و روسیه برای نخستین بار به ایران وابسته گردید و این خود یک تحول تاریخی به حساب می‌آید، اما تعمیق اتحاد نظامی ایران با روسیه باعث توقف گفت‌وگوهای برجامی، افزایش تلاش‌ها برای تروریستی اعلام کردن نیروهای نظامی ایران، حمایت بیشتر غرب و اوکراین از گروه‌های برانداز ایرانی، شکل‌گیری پدافند هوایی یکپارچه رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی با مدیریت سنتکام و مقبولیت ادعای آمریکا برای بازنمایی جمهوری اسلامی بعنوان تهدیدی برای امنیت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تداوم ایران‌هراسی شد (فخاری، ۱۴۰۱). ماحصل این وضعیت پابرجا ماندن تحریم‌های غرب علیه ایران و تداوم مشکلات اقتصادی کشور بوده است. گرچه هیچ منع قانونی بر اساس قوانین بین‌المللی و قطعنامه‌های شورای امنیت برای صادرات جنگ‌افزار به روسیه وجود ندارد، اما پیامدهای سیاسی چنین اقدامی با محوریت منافع ملی ایران می‌بایست لحاظ می‌گردید. همانگونه که روسیه سال‌ها از فروش و تحویل سامانه دفاع ضد موشکی اس. ۳۰۰ به ایران برای حفظ منافع خود در تعامل با کشورهایمانند آمریکا، عربستان، امارات و رژیم صهیونیستی امتناع ورزید.

در نهایت، با توجه به اهمیت ژئوپلیتیکی کشور اوکراین برای اروپا و آمریکا و مشخص شدن بسیاری از ابعاد بحران اوکراین و چشم‌اندازی که نشان از موفقیت روسیه ندارد؛ - حداقل متناسب با آنچه عده‌ای در ایران انتظار داشتند - مشارکت با روسیه در جنگ اوکراین یک تهدید بزرگ برای برساختن چهره‌ای منفی و امنیتی کردن سیاست خارجی ایران بوده است. بهرحال، تحمل هزینه‌های سیاسی همراهی با روسیه در جنگ بدون کسب منافع ژئوپلیتیک و اقتصادی مناسب وجه عقلانی ندارد. در حالیکه جنگ اوکراین افقی پلار ابهام در مقابل ایران قرار داد کشورهایمانند هند، چین و ترکیه با دوراندیشی روابط اقتصادی خود با روسیه را گسترش داده و از این شرایط برای خرید

نفت ارزان قیمت روسیه استفاده می‌کنند (شوری، ۱۴۰۱). بی‌تردید، جنگ اوکراین بصورت مستقیم و غیرمستقیم بر اهداف و منافع ملی ایران تأثیر گذاشته و شواهد ساختاری (ساختار نظام بین‌الملل، ساخت دولت و درک تصمیم‌گیران ایرانی از آرایش سیاسی حاکم بر نظام بین‌الملل و موقعیت دیگر بازیگران) دال بر تغییر نگاه و رویکرد ایران نسبت به این بحران نیست. عبارتی، بر اساس بنیان تئوریک و باورهای ایدئولوژیک حاکم بر سیاست خارجی و تداوم رویکرد انتقادی و عدم اعتماد ایران نسبت به ساختارهای مسلط بین‌المللی برآمده از اراده آمریکا، به چالش کشیده شدن قدرت غرب در سطح بین‌المللی، برای جمهوری اسلامی ایران یک دستاورد بزرگ محسوب می‌گردد. در نگاه جمهوری اسلامی حمله نظامی روسیه به اوکراین در واقع یک گام مهم در مسیر به چالش کشیدن گفتمان «نظام تک‌قطبی جهانی» است و پرداخت هزینه در حمایت از روسیه در چارچوب یک سیاست خارجی انقلابی و تجدیدنظرطلبانه قابل توجیه است.

۷. بحران اوکراین؛ نظم نوظهور شرقی و راهبرد نگاه به شرق

حمله روسیه به اوکراین ساختار نظام بین‌الملل را متزلزل ساخته است. از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران جهان در حال گذار از سلطه غرب به عصر پساغربی است. کاهش نفوذ اروپا و آمریکا زمینه را برای بازیگران غیرغربی فراهم کرده تا در این نظم جدید جایگاهی بایسته کسب کنند. از مهم‌ترین روندهای نظم نوین بین‌المللی افول، انزوا و یحتمل فروپاشی ایالات متحده آمریکا و انتقال قدرت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و حتی علمی از دنیای غرب به قاره آسیا است. روی کار آمدن دولت‌های ضد آمریکایی در آمریکای لاتین، خروج آمریکا از عراق، جنگ سوریه و شکست داعش، عدم موفقیت عربستان در یمن، بحران روزافزون داخلی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، خروج مفتضحانه آمریکا از افغانستان و جنگ اوکراین از مصادیق تغییر نظم جهانی عنوان می‌شود. این اتفاقات مهم موجب شده تا متحدان آمریکا نیز به روابط راهبردی با قدرت‌های نوظهور و شرقی مانند چین روی آورند. عربستان سعودی، امارات متحده عربی و حتی رژیم صهیونیستی با وجود روابط راهبردی با ایالات متحده اکنون حجم تجارت و مراودات اقتصادی و سیاسی قابل توجهی با رقبای اصلی آمریکا

دارند (مظاهری، ۱۴۰۱). واشنگتن حتی نتوانسته متحدان سنتی خود در خاورمیانه را متقاعد سازد که روسیه را بخاطر حمله به اوکراین تحت فشار دیپلماتیک و اقتصادی قرار دهند. این شواهد نشان دهنده کاهش نقش رهبری ایالات متحده در صحنه جهانی است (Azizi, 2023: 27). از دیدگاه مقامات تهران جنگ در اوکراین نشانه‌ای از آغاز «انتقال قدرت از غرب به شرق» است که می‌تواند تأمین‌کننده منافع ملی ایران باشد. لذا زمان آن رسیده تا ایران با قدرت‌های در حال رشد غیرغربی در سطوح دوجانبه و چند جانبه روابط خود را توسعه دهد. توافقنامه مشارکت راهبردی جامع با چین، عضویت در سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس تحت نفوذ روسیه و چین، تقاضا برای عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و حمایت از مسکو در جنگ اوکراین، همگی بخشی از یک استراتژی واحد برای استفاده از «نظم بین‌المللی در حال ظهور» است.

در واقع، گفتمان نظم نوین جهانی در جمهوری اسلامی تداوم راهبرد نگاه به شرق است که در چند دهه اخیر راهنمای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده و بر این فرض استوار است که دیر یا زود تحولی عظیم در نظام بین‌الملل رخ خواهد داد و مرکز ثقل قدرت جهانی از جهان غرب به شرق عالم که در هسته آن چین و روسیه قرار دارند منتقل خواهد شد. بنابراین باید پیشاپیش با همراهی و نزدیکی با این کشورها جایگاه شایسته‌ای در نظم تازه جهانی به دست آورد (زیدآبادی، ۱۴۰۲: ۳).

این انگاره‌ها که ایالات متحده در حال فروپاشی است؛ تحریم‌های خارجی، موجب خودکفایی، مقاوم‌سازی اقتصادی و پیشرفت کشور شده؛ موقعیت ژئوپلیتیک ایران و منابع عظیم نفت و گاز آن غیر قابل اغماض است؛ قطب قدرت با سرعت از غرب به شرق در حال حرکت است و تلقی چین و روسیه بعنوان شریک استراتژیک ایران باعث شده سیاست‌گذاران ایرانی هرگونه تجدیدنظر در راهبرد نگاه به شرق و تنش‌زدایی با غرب را غیرضروری و حتی مخرب بدانند. زیرا ادامه همین روند به ایران کمک می‌کند تا به یک قدرت مهم در منطقه و یکی از پایه‌های نظم شرقی نوظهور تبدیل شود.

در مقابل، با توجه به کاهش دخالت و نقش رهبری واشنگتن در جهان، رقبای منطقه‌ای ایران نیز سعی کرده‌اند سیاست خارجی و امنیتی خود را مطابق با واقعیت‌های جدید جهانی تنظیم کنند. تا آنجا که به رقبای منطقه‌ای ایران و متحدان سنتی ایالات متحده

مربوط می‌شود، این تعدیل عمدتاً به شکل صف‌بندی‌ها و ترتیبات امنیتی جدید منطقه‌ای بوده است. برای مثال، همسایگان عرب ایران در خلیج فارس، بدنبال همکاری نزدیک با چین و روسیه و تشکیل یک ائتلاف امنیتی با اسرائیل با هدف پر کردن خلأ حمایت آمریکا در مقابل ایران هستند. در عین حال، ترکیه، متحد آمریکا و عضو ناتو، نقش مستقل‌تری در خاورمیانه، قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی به عهده گرفته است. به قدرت رسیدن طالبان و جانبداری ترکیه از آذربایجان در جنگ ۲۰۲۰ با ارمنستان بر سر قره‌باغ و مشارکت سیاسی و نظامی آذربایجان با اسرائیل نمونه‌هایی از این تغییرات بود. بنابراین، نظم در حال ظهور شرقی در کنار فرصت‌ها، می‌تواند تهدیدات و چالش‌هایی را در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران پدید آورد (Azizi, 2023: 28).

بی‌شک، نظام بین‌الملل در معرض تحول و دگرگونی است، اما نباید مطابق با آرزو و امیال خود وضعیت جدید را تحلیل و پیش‌بینی کنیم. نظم بین‌الملل امری ثابت و ایستا نیست و منوط به ظهور و افول هژمون جهانی، دستخوش تغییر می‌شود. در نظم در حال ظهور جهانی گرچه بخشی از منابع قدرت به شرق در حال انتقال است اما همچنان غرب و در رأس آن ایالات متحده با فاصله زیاد در بیشتر شاخص‌های اقتصادی و نظامی دست بالاتر را دارد. حمله به اوکراین با اشتباه محاسباتی روسیه برای بازداشتن ناتو در نزدیک شدن به مرزهای خود رقم خورد. عملکرد ضعیف نظامی روسیه موقعیت آن را در جهان تضعیف کرده به نحوی که مسکو به تسلیحات ایرانی و فناوری چینی وابسته شده است. پوتین روسیه را به شریک کوچک چین تبدیل کرده و ارزش منابع فسیلی آن کشور که دارایی بزرگ روسیه محسوب می‌شد را کاهش داده است. بخش عظیمی از ظرفیت نظامی و اقتصادی روسیه مصروف یک جنگ بی‌فرجام، پرهزینه و احتمالاً طولانی شده است.

دولت‌های غربی نیز با ارسال سلاح و اعمال تحریم‌های بی‌سابقه علیه روسیه مایلند این جنگ بصورت فرسایشی تا تغییر اساسی سیاست خارجی روسیه و پوتین در قبال غرب تداوم یابد. جنگ اوکراین و رهبری ایالات متحده برای مقاومت در برابر روسیه، موجب وابستگی بیشتر اروپا به آمریکا شده است؛ ژاپن، کره جنوبی، فیلیپین و استرالیا را به ایالات متحده نزدیکتر کرده است. هند کشوری که برای چندین دهه به روسیه نزدیک

بود نیز روابط دوستانه‌تری با آمریکا برقرار کرده و مانند چین از تجارت با اقتصاد تحریم شده روسیه منفعت بیشتری کسب می‌کند (Abrams, 2023). بحران اوکراین ضمن افزایش همبستگی اروپا و آمریکا، سبب کاهش وابستگی اروپا به انرژی روسیه بعنوان ابزار عمده مسکو برای اعمال نفوذ در قاره سبز و وابستگی روسیه به چین شده است. پکن گرچه به ظاهر متحد مسکو بوده ولی در بحران اوکراین با احتیاط رفتار کرده و از هرگونه عملی که به روابط اقتصادی با غرب آسیب بزند اجتناب ورزیده است. این کشور از وابستگی بیشتر روسیه به خود برای فروش نفت با تخفیف زیاد و حمایت ژئوپلیتیکی مسکو سود برده است. اکنون برای چین روسیه کشوری است که صرفاً توانایی ایجاد مشکل در ساختار موجود جهانی و نه شکل دادن به نظم آینده جهان را دارد. در نهایت، جنگ در اوکراین ثابت کرد که اروپا و روسیه به‌رغم دارایی‌های نظامی یا اقتصادی که دارند، واقعاً قدرت‌های جهانی نیستند. قرائن نشان می‌دهد دو کشور چین و ایالات متحده این توانایی را دارند تا سیاست جهانی در دهه‌های آینده را شکل دهند. تداوم صعود چین به یکی از مهمترین موضوعات روابط بین‌الملل در قرن بیست و یکم بدل شده است. بدیهی است رشد اقتصادی چین و دیپلماسی فعال سیاسی و اقتصادی و تلاش برای تغییر قواعد و نهادهای حاکم بر نظام بین‌المللی به شکل مستقیم و غیر مستقیم منافی را برای ایران در پی خواهد داشت (بایزیدی، ۱۴۰۱: ۱۵۰-۱۴۹).

در واقع، ایران ظهور چین به عنوان ابرقدرت را یک تغییر خوشایند در ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک جهانی قلمداد می‌کند که به تهران اجازه می‌دهد بر انزوای خود در نظم جدید جهانی که در آن چین دست بالا را دارد، پایان دهد. سران تهران ظهور چین به عنوان یک قدرت نوظهور جهانی را یک راه میانبر برای پیشرفت و رفاه خود پس از دهه‌ها رکود و تحریم می‌بینند. بنابراین، در فردای جنگ اوکراین محتمل است شاهد یک نظام بین‌الملل دو قطبی با میدان‌داری دو قدرت چین و آمریکا باشیم که برخلاف دوران جنگ سرد بجای نزاع‌های بی‌پایان ایدئولوژیک، بر سر برتری مدل توسعه چینی یا غربی، رشد اقتصادی، الگوی حکمرانی خوب، ائتلاف‌های دو و چندجانبه موقتی و رقابت‌های ژئوپلیتیک با همدیگر رقابت خواهند کرد. از آنجا که جهان‌بینی حاکمیت ایران حاوی یک هسته قوی ضدغربی متمرکز بر ایالات متحده است به ناچار ایران نیز

در اردوگاه ابرقدرت شرق صف‌آرایی خواهد کرد و چین برای ایران یک پشتوانه استراتژیک در روابطش با دول غربی است (Ehteshami, 2022: 14-19). با فرض تحقق این پیش‌بینی، در جهان دو قطبی آینده ایران براساس منافع و خواسته ابرقدرت شرق ناچار است در سیاست خارجی خود تحول ایجاد کرده و مبادرت به تغییر سیاست منطقه‌ای و کاهش تنش با رقبایش کند که عمده‌تاً شرکای اقتصادی چین هستند. توافق اخیر ایران و عربستان با میانجیگری چین از نشانه‌های این تغییر است. بنابراین، در جهان دو قطبی پیش رو الزاماً باید تحولی در سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایجاد شود؛ زیرا ایران مخالف نظم جهانی هیچ جذابیتی برای پکن نخواهد داشت. چین برای بر هم نخوردن مسیر توسعه اقتصادی، سیاست خارجی اقتصاد محور خود را بر رقابت‌های امنیتی و سیاسی ترجیح می‌دهد. بسیاری از رقبای منطقه‌ای ایران روابط اقتصادی و انسانی گسترده با چین داشته و تأمین‌کننده انرژی این کشور بوده و چینی‌ها نیز سرمایه‌گذاری‌های وسیع در زیرساخت‌های آنها انجام داده‌اند. از این رو، هر اقدامی از جانب تهران که امنیت و ثبات منطقه را متزلزل کند بر روابط دو کشور اثر منفی خواهد گذاشت (Ehteshami & Bahgat, 2019:27-33).

در مجموع، در نظم جدید، راهبرد نگاه به شرق برای تأمین منافع ملی ایران به تنهایی پاسخگو نیست و موجب به حاشیه راندن ایران از روندهای منطقه‌ای و بین‌المللی و آسیب‌پذیری ایران نسبت به بده بستان‌های قدرت‌های جهانی و حتی منطقه‌ای خواهد شد. حاکمیت اخلاق نیز در نظم نوین جهانی پررنگ‌تر از گذشته نخواهد بود. واقعیت آن است که هر میزان که نظام داخلی کشورها اقتدارگراتر و غیردموکراتیک‌تر باشد، از رفتارهای خشن‌تر سلطه استفاده می‌کنند. از این رو، کشور اقتدارگرایی مانند چین یا روسیه اهداف خود را بصورت شفاف‌تر و خشن‌تر تدوین و دنبال می‌کنند. نمونه بارز آن رویکردی است که دو کشور اخیر در قبال جزایر سه‌گانه ایران در خلیج فارس اتخاذ کردند. گرچه آنها از نزدیکی با ایران سود می‌برند اما حمایت از موضع شورای همکاری در خصوص جزایر سه‌گانه را سودمندتر و بی‌ضررتر از جلب رضایت جمهوری اسلامی دانسته و به آن مبادرت می‌کنند (زیدآبادی، ۱۴۰۲: ۳). در واقع، در راهبرد یکسویه نگاه به شرق، انزوای ایران به همان میزان که توسط مخالفانش رقم می‌خورد، به همان اندازه

نیز از سوی دولت‌هایی که ایران آن‌ها را دوست خود می‌پندارد، تشدید می‌شود. بنابراین، سیاست نگاه به شرق اگر در گذشته یک راهبرد سیاست خارجی با هدف تأمین منافع کشور تصور می‌شد در شرایط کنونی صرفاً یک رفتار ایدئولوژیک است. در زمانه‌ای که متحدان سنتی آمریکا نیز در پی ایجاد تعادل و توازن در روابط خارجی خود هستند و با برقراری ارتباط معقول با رقبای جهانی ایالات متحده بدنال امتیازگیری از غرب و شرق عالم و تأمین منافع ملی خود هستند، جمهوری اسلامی ایران نیز گزینه‌ای جز توجه به قواعد بین‌المللی و توازن‌سازی در سیاست خارجی خود نخواهد داشت. در این راستا، سیاست ایران در قبال جنگ اوکراین باید به گونه‌ای تنظیم گردد که پیام اشتباه به غرب نداده و مبتنی بر «بی‌طرفی فعال» باشد که بر مبنای آن تنش‌ها و رقابت‌های قدرت‌های درگیر به نفع تأمین امنیت نسبی و منافع ملی ایران به اتمام برسد (حلال‌خور و سعیدی، ۱۴۰۰: ۹۴).

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله درک چرایی عملکرد جمهوری اسلامی ایران در بحران اوکراین با تاکید بر ساخت نظام سیاسی ایران و الزامات حاکم بر نظام بین‌الملل در چارچوب نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک بود. واقع‌گرایی نئوکلاسیک برای تحلیل عملکرد ایران در همراهی با روسیه در جنگ اوکراین همزمان که به ساختارهای درونی و نوع گفتمان حاکم بر سیاست خارجی کشور اهمیت می‌دهد، به تحولات نظام بین‌الملل و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایران نیز توجه دارد. از یک سو، نگاه حاکمیت و دستگاه دیپلماسی ایران به مناسبات بین‌المللی مبتنی بر آرمان‌های ایدئولوژیک است که حول انگاره آمریکاستیزی شکل گرفته است؛ از سوی دیگر، فشارهای ساختار نظام بین‌الملل و رویارویی مداوم با غرب موجب شده تا جمهوری اسلامی ایران نگاه به شرق را بعنوان راهبرد خود در سیاست خارجی برای حفظ استقلال و دفاع از هویت سیاسی خود و کاستن از محدودیت‌های بیرونی و اعمال سلطه‌جویانه آمریکا برگزیند. در این راهبرد روسیه بعنوان همسایه شمالی و یک قدرت جهانی جایگاه ویژه‌ای دارد. ویژگی همیشگی غرب‌ستیزی همراه با درک خاص رهبران ایران از انتقال قدرت در سیاست بین‌الملل و خودرضایتی ایدئولوژیک بدلیل موفقیت در مبارزه با داعش، جنگ سوریه و

رقابت‌های منطقه‌ای و ایجاد یک جبهه ضد هژمونی غرب در خاورمیانه سبب گردید تا ایران نه تنها تهاجم نظامی روسیه به اوکراین را محکوم نکند، بلکه از ادعای روسیه حمایت و غرب بویژه ایالات متحده و ناتو را مقصر بحران اوکراین معرفی نماید. در واقع، پیشران ایدئولوژی موجب ورود ایران به بازی قدرت‌های بزرگ و مشوق گسترش همکاری‌ها با روسیه در بحرانی شد که رهبران ایران آن را جنگی نه علیه اوکراین، بلکه علیه غرب و ناتو می‌دانند. به‌زعم مقامات ایران، در سال‌های اخیر به طور فزاینده‌ای از نقش جهانی آمریکا کاسته شده و نظام بین‌الملل به سمت نظم غیرغربی در حرکت است که به قدرت‌های تجدیدنظر طلب مانند چین و روسیه اجازه می‌دهد تا نفوذ بین‌المللی خود را افزایش داده و ایالات متحده را به چالش بکشند. در این فضای جدید، ایران می‌تواند نقش قاطع‌تری را ایفا کند و حوزه نفوذ خود را گسترش دهد. از این رو، برای جمهوری اسلامی ایران حمایت از مسکو در جنگ اوکراین، بخشی از یک استراتژی برای مشارکت و استفاده از نظم بین‌المللی در حال ظهور در سیاست بین‌الملل است. در واقع، بحران اوکراین، انگاره‌های ذهنی جمهوری اسلامی ایران را تغییر داده و حتی برخی محافل داخلی جنگ اوکراین را نویدبخش ظهور یک نظم نوین جهانی تفسیر می‌کنند و مانند در کنار پوتین را برای منافع بلندمدت نظام سودمندتر از احیای برجام می‌دانند. در این میان طرح ادعای کمک نظامی ایران به روسیه توسط دولت‌های غربی و اپوزیسیون نظام و نیز برخی از موضع‌گیری‌ها و اقدامات مسوولان ایرانی عملاً موجب شد تا در سطح بین‌المللی ایران را به عنوان کشور حامی روسیه در جنگ اوکراین معرفی کنند. روس‌ها نیز همکاری نظامی میان دو کشور را انکار نکردند تا احتمال توافق هسته‌ای با غرب و رفع تحریم‌های ایران بویژه تحریم نفتی را کاهش دهند. این در شرایطی است که مواضع اعلانی وزارت خارجه ایران عدم پشتیبانی تسلیحاتی از طرفین جنگ و حفظ بی‌طرفی و تلاش برای خاتمه یافتن جنگ بوده است.

این نوشتار با سنجش فرصت‌ها و تهدیدات ناشی از مواضع و عملکرد ج.ا. ایران در قبال جنگ اوکراین در دو سال گذشته توصیه می‌کند جمهوری اسلامی با محاسبات واقع‌بینانه و اتخاذ رویکردی محتاطانه در حمایت نظامی از روسیه از تحریک اوکراین و کشورهای غربی پرهیز کرده و کشور را از قرار گرفتن در معرض فشارها و تحریم‌های

گسترده‌تر و ناکام ماندن در حل بحران‌های داخلی و بیرونی از جمله پرونده هسته‌ای رها کند. در واقع، ایران باید ضمن حفظ روابط حسنه با روسیه بعنوان یک همسایه قدرتمند، برای کاهش تنش با اوکراین و غرب تلاش کرده و با افزایش تحرکات و مطرح کردن خود به عنوان یک میانجی روند امنیتی‌سازی سیاست خارجی ایران را کند و متوقف سازد. در مجموع، مقایسه دستاوردهای ایران با کشورهایمانند ترکیه، چین و عربستان و امارات در جنگ اوکراین، حکایت از ناکافی بودن سیاست نگاه به شرق و عدم توازن در روابط دو جانبه با روسیه دارد. اصرار بر این راهبرد را می‌توان دستاویزی ایدئولوژیک از سوی برخی محافل داخلی دانست که بر اساس برداشت‌ها و اعتقادات خود تداوم تنش ایران با نظام بین‌الملل را موجب تقویت کشور می‌دانند. اما راهبرد نگاه به شرق نه تنها از ابعاد اقتصادی، سیاسی و امنیتی کمکی به حل اساسی مشکلات ایران نکرده بلکه موجب بن‌بست در روند توسعه ایران شده است. از این رو، اتخاذ یک سیاست خارجی متوازن و مستقل ملی در روابط با قدرت‌های جهانی با رویکردی واقع‌گرایانه و منطبق با منافع ملی لازمه کاهش آسیب‌پذیری نسبت به بده بستان‌های میان قدرت‌های جهانی است.

منابع

اسعدی، بهروز و منوری، سیدعلی (۱۴۰۰)، «بررسی روابط ایران و روسیه در قرن جدید: اتحاد استراتژیک یا همگرایی منافع»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۲، شماره ۴، صص. ۲۱۰-۱۸۱.

آدمی، علی (۱۳۸۹)، «راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دیدگاه‌ها، زمینه‌ها و فرصت‌ها»، فصلنامه مطالعات سیاسی، ۲(۷)، صص ۹۷-۱۲۶.

آدمی، علی و برزگر، کیهان (۱۳۸۹)، «تحلیلی راهبردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (با تاکید بر نگاه به شرق و سازمان همکاری شانگهای)»، فصلنامه مطالعات سیاسی، ۳(۹)، صص ۲۹-

بایزیدی، رحیم (۱۴۰۱)، «راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران؛ مولفه‌های راهبردی و تحولات آینده»، **فصلنامه آینده‌پژوهی**، شماره ۲، صص. ۱۵۹-۱۳۷.

تابع افشار، ساناز و برزگر، کیهان (۱۳۹۵)، «رنالیسم نئوکلاسیک و سیاست خارجی آمریکا؛ تحلیلی نظری بر فهم سیاست خارجی ایالات متحده»، **رهیافت‌های سیاسی بین‌المللی**، سال هشتم، شماره ۱، صص. ۷۰-۴۲.

حاجیلو، محمدحسین (۱۳۹۶)، «شکندگی همکاری در فضای هژمونیک و نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**، شماره ۳۸، صص. ۸۸-۶۹.

خسروانی، فرشید (۱۴۰۰)، «نگرانی‌های اسرائیل از جنگ روسیه و اوکراین»، **دیپلماسی ایرانی**، ۲۸ اسفند، قابل دسترس در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2010643>

دهقانی‌فیروزآبادی، جلال و مرادی، منوچهر (۱۳۹۴)، «آمریکا و روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۸۹، صص. ۹۱-۶۵.

دهقانی‌فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۰)، «واقع‌گرایی نئوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، شماره ۲، صص. ۲۹۴-۲۷۵.

رشیدی، احمد (۱۴۰۱)، «تداوم و تغییر در علل مداخله‌های نظامی روسیه»، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۱، صص. ۴۲-۱۱. DOI: 10.29252/pij.2022.227384.1254.11

رومی، فرشاد (۱۳۹۹)، «بازشناسی جایگاه روسیه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست**، شماره ۲، صص. ۶۱۰-۵۸۹. DOI: 10.22059/jpq.2020.264709.1007300

زیدآبادی، احمد (۱۴۰۲)، «چرخش به شرق و آفات آن، روزنامه هم‌میهن»، شماره ۲۷۵، ۲۱ تیر، قابل دسترس در: <https://hammihanonline.ir/news/title-one/chrksh-bh-shrq-w-afat-an>

سجادپور، محمدکاظم (۱۳۸۸)، «عنصر بین‌المللی در روابط ایران و روسیه» در کتاب: **روابط ایران و روسیه**، ویراستار مهدی سنایی و جهانگیر کرمی، تهران: مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس).

حلالخور، مهرداد و سعیدی‌راد، آرشی (۱۴۰۰)، «ایران - اوکراین در دوران بحران و تأثیر آن بر روابط با روسیه»، **فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل**، شماره ۱۰، صص. ۹۸-۷۵.

سلیمی، حسین و ابراهیمی، منار (۱۳۹۴)، «مبانی نظری و فراترزی و نقد نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک»، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، شماره ۱۷، صص. ۴۲-۱۳.

شوری، محمود (۱۴۰۱)، «بعد از جنگ اوکراین، نفع روسیه در احیای برجام نبود»، **پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران**، ۲۸ آذر، قابل دسترس در: <https://www.jamaran.news/>

شوری، محمود (۱۳۹۴)، «ایران، روسیه و آینده مسئله سوریه» **فصلنامه روابط خارجی**، شماره ۴، صص. ۱۸-۱۳.

صالحی، حمید و سجادی، مرضیه سادات (۱۴۰۱)، «مواضع و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحران اوکراین»، فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری، شماره ۳، صص. ۴۵-۷۴.

فخاری، رامین (۱۴۰۱)، «جنگ اوکراین و عواقب متوجه ایران»، دیپلماسی ایرانی، ۸ اسفند، قابل دسترس در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2017987/>

عطایی، فرهاد و شیبانی، اعظم (۱۳۹۰)، «زمینه‌های همکاری و رقابت ایران و روسیه در آسیای مرکزی در چارچوب ژئوپلیتیک»، مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۸، صص. ۱۵۱ - ۱۳۱.
کولانی، الهه و نوری، علیرضا (۱۳۸۹)، «عملگرایی پوتین و تغییر در رویکردهای سیاست خارجی روسیه»، فصلنامه سیاست، شماره ۲، صص. ۲۲۸ - ۲۰۹.

۶۱

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴)، «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل»، تهران: سمت.

مجتهد زاده، پیروز و رشیدی‌نژاد، اصغر (۱۳۹۰)، «تحلیل ژئوپلیتیکی سیاست خارجی روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران (۲۰۰۰-۲۰۰۸)». فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۲، صص ۳۶-۱.

مظاهری، محمد مهدی (۱۴۰۱)، «جنگ اوکراین؛ رویکرد قدرت‌های جهانی و سیاست جمهوری اسلامی ایران»، ۹ اسفند، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، قابل دسترس در: <https://www.ipis.ir/portal/subjectview/712482>
نوروزی، نورمحمد و فرشاد رومی (۱۳۹۳)، «چشم‌انداز روسی به روابط ایران و روسیه»، پژوهشنامه سیاست بین‌الملل، شماره ۱، صص. ۹۳-۱۱۷.

نوری، علیرضا (۱۳۸۷)، «تحولات مفهوم آمریکا ستیزی در سیاست خارجی روسیه با تاکید بر سیاست خارجی پوتین»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۲، صص ۸۷۶-۸۵۳.

نوری، علیرضا (۱۳۸۹)، «سیاست خارجی روسیه در دوره پوتین: اصول و روندها»، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع)، دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم (ص).

Abrams, Elliott (2023), "Implications of the Russia-Ukraine War", **Council Foreign Relations**, February 26, Available at: <https://www.cfr.org/blog/implications-russia-ukraine-war>

Atay, Hadi (2022), "How Has Russia Used the Iranian Nuclear Crisis to Achieve Its Goals in Ukraine?", **Center for Iranian Studies**, 4 March, Available at: https://iramcenter.org/en/how-has-russia-used-the-iranian-nuclear-crisis-to-achieve-its-goals-in-ukraine_en-707

Azizi, Hamidreza (2023), "The Ukraine War: The View from Iran", **The Cairo Review of Global Affairs**, Fall and winter, pp. 23-28. Available at: <https://www.thecaireview.com/wp-content/uploads/2023/01/cr46-azizi-full-page-lr.pdf>

Azodi, Sina (2022), "How Russia's invasion of Ukraine is shaping national security debates in Iran", **Atlantic Council**, June 2, Available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/how-russias-invasion-of-ukraine-is-shaping-national-security-debates-in-iran/>



- Blagov, Sergei (2017), "Alliance with Syria Tightens Russia's Ties with Iran", **Asia Time**, available at: www.atimes.com/article.
- Bobkin, Nikolai (2022), "Impact of the Ukrainian Conflict on US Relations with Countries in the Middle East", **Herald of the Russian Academy of Sciences**, Vol. 92, No. 15, pp. S1397-S1404.
- Cafiero, Giorgio (2023a), "Iran in Ukraine: The Costs of Supporting Putin's War", **Gulf International Forum**, 24 February, Available at: <https://gulfif.org/iran-in-ukraine-the-costs-of-supporting-putins-war/>
- Cafiero, Giorgio (2023b), "Iran's Indispensable Role for Russia in the Ukraine War", **Gulf International Forum**, 20 February, Available at: <https://gulfif.org/irans-indispensable-role-for-russia-in-the-ukraine-war/>
- Ehteshami, Anoushiravan and Gawdat Bahgat (2019), "Iran's Asianisation Strategy", in **Annalisa Perteghella**, ed. *Iran Looking East. An Alternative to the EU*. Milan: Ledizioni Ledi Publishing, Pp: 11-40. Available at: https://www.ispionline.it/sites/default/files/publicazioni/ispiranlooking_web.pdf#page=11
- Ehteshami, Anoushiravan (2022), "Asianisation of Asia: Chinese-Iranian, Relations in Perspective," **Asian Affairs**, 53, 1: 8-27, <DOI: 10.1080/03068374.2022.2029037>
- Gallagher, Nancy; Mohseni, Ebrahim; Ramsay, Clay (2022), "Iranian Public Opinion on the War in Ukraine and Nuclear Options", **Center for International & Security Studies at Maryland**, 15 August, Available at: <https://cisism.umd.edu/research-impact/publications/iranian-public-opinion-war-ukraine-and-nuclear-options>
- Hunter, Shireen T. (2010), "Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era: Resisting the New International Order", Santa Barbara, Calif: Praeger.
- Kaleji, vali (2022), "Iran and the Ukraine Crisis: Complexities and Considerations", The Center Asia-Caucasus Analyst, 25 April, available at: <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13717-iran-and-the-ukraine-crisis-complexities-and-considerations.html>**
- Katz, Mark N. (2012), "Russia and Iran", **Middle East Policy**, No. 3, pp.54-64.
- Katz, Mark N. (2010), "Russian-Iranian Relations in the Obama Era", **Middle East Policy**, No. 2, Pp.62-69.
- Kitchen, Nicholas (2010), "Systemic Pressures and Domestic Ideas: A Neoclassical Realist Model of Grand Strategy Formation", **Review of international studies**, 36 (1):117-143
- Kozhanov, Nikolay (2023), "Putin's war in Ukraine and prospects for Russian-Iranian relations" ,**The Peace and Conflict Resolution Evidence Platform Edinburgh Law School**, 4 Apr, Available at: <https://peacerep.org/2023/04/04/putin-ukraine-russian-iranian-relations/>
- Kozhanov, Nikolay. (2012), "Russia's Relations with Iran; Dialogue without Commitments", **The Washington Institute for Near East Policy**, pp.1-

34, Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/russian-relations-with-iran-dialogue-without-commitments.pdf>

Lebow, Richard Ned (2022), "International Relations Theory and the Ukrainian War", **Analyse & Kritik** 2022, 44(1): 111-135. Available at: <https://doi.org/10.1515/auk-2022-2021>

Milani, Mohsen (2016), "Iran and Russia's Uncomfortable Alliance", **Foreign Affairs**, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2016-08-31/iran-and-russias-uncomfortable-alliance> Accessed on: 21 March 2018.

Niakooee, Seyed Amir and Rahda, Hossein (2021), "The Middle East and Iran in Russia's Foreign Policy after the Ukraine War", **Iranian Review of Foreign Affairs**, Vol. 12, No. 2, pp. 493-524.

Sadri, Sayyad (2023), "The Geopolitical Impacts of the Russo-Ukrainian War on Iran", **Krakowskie Studia Miedzynarodowe**, No.10, Pp. 43-45. DOI: 10.48269/2451-0610-ksm-2023-1-002

Sharafedin, Bozorgmehr and Tan, Florence and Chen, Aizhu(2022), "More Russian oil going east squeezes Iranian crude sales to China", **Reuters**, May 20, Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2022/5/19/more-russian-oil-going-east-squeezes-iranian-crude-sales-to-china>

Tirone, Jonathan and Motevali, Golnar (2022), "Russia, Iran Defy Western Sanctions by Building New Trade Route", **Bloomberg**, 21 December, Available at: <https://www.bloomberg.com/graphics/2022-russia-iran-trade-corridor/>

۶۳

روابط بین الملل

رویکرد سیاست
خارجی جمهوری
اسلامی ایران در
جنگ اوکراین؛
دستاوردها و چالش
ها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی